

## مشاهیر حوزه خراسان

# مظهر حیات معقول

گندوکاوی در حیات زرین شهید، مرتضی مطهری ۱۳۵۸-۱۳۹۸ هـ ش

● غلامرضا جلالی



استاد شهید مرتضی مطهری از درخشانترین چهره‌های روحانیت پیشرو در قرن اخیر بوده‌است و به جامعیت او کمتر کسی را می‌توان در میان معاصرینش یافت. در این ویژه‌نامه که اختصاص به جوانه‌های جوان جامعه دارد ما به پاس خدمات معنوی بی‌بدیلی که مطهری به نسل اندیشمند و متعهد ایران داشته‌است، یاد پاک او را گرامی می‌داریم.

استاد شهید مرتضی مطهری روز ۱۳ بهمن سال ۱۳۹۸ هـ. ش. برابر با ۱۲ جمادى‌الاولی سال ۱۳۳۸ هـ. ق. در فریمان از توابع مشهد چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم شیخ محمدحسین مطهری از تحصیل‌کردگان نجف و انسانی پارسا و پرهیزکار بود.

سال ۱۳۱۱ هـ. ش. مطهری درحالی‌که ۱۳ سال بیشتر از عمرش سپری نشده بود، به‌منظور آموزش علوم اسلامی به مشهد آمد. آمدن او مصادف بود با آغاز دیکتاتوری رضاخان و فروپاشی حوزه‌های علمی، بیشتر طلبه‌ها به دلیل وضعیتی که رضاخان به‌وجود

آورده بود، از درس و بحث دست می‌کشیدند. او پس از آشنایی با مقدمات، در سال ۱۳۱۶ هـ. ش. روانه قم شد و ضمن فراگیری ادبیات و مبادی علوم اسلامی، سال ۱۳۱۹ با شرکت در درسهای اخلاق امام خمینی، گمشده خود را پیدا کرد و پس از سقوط رضاخان، در شهریور ۱۳۲۰ و آمدن آیت‌الله بروجردی به قم در سال ۱۳۲۳، حوزه قم رونقی دیگر یافت و شهید مطهری با کوشش بیشتر به فعالیت‌های علمی خود ادامه داد.

### جستجوی گمشده‌های اصیل

حضور نظامی ارتش سرخ در بخش‌های شمالی ایران و ترویج فلسفه ماتریالیسم و اندیشه‌های مارکسیسم از سوی حزب توده، جایگاه بلند علم کلام و فلسفه اسلامی را در پاسداری از حریم دین به خوبی نشان می‌داد و مطهری که خود اندیشه‌های دغدغه‌آوری را از زمان حضور در مشهد، درباره «خدا» در خود احساس کرده بود و حساسیت عجیبی نسبت به مسائل مربوط به خدا داشت، برای جستن پاسخ به پرسشهایی که یکی پس از دیگری به اندیشه او هجوم می‌آوردند و ساعتها در گوشه حجره در قم او را به تأمل وامی‌داشتند.

مجال را برای آموزش فلسفه مناسب دید و از سال ۱۳۲۳ ه. ش. که سطوح را آموخته بود، همزمان با شرکت در درسهای خارج فقه و اصول، به آموزش فلسفه و علوم عقلی روی آورد و اسفار اربعه آخوند ملاصدرا را نزد امام خواند و با افکار حکیم صدرا، پایه‌گذار حکمت متعالیه آشنا شد و الهیات شفای ابن سینا را نزد علامه شهیر حاج سیدمحمدحسین طباطبایی قراگرفت کرد و تفکر در حوزه‌های تخصصی فیلسوفان، عارفان و متکلمان را برتر از هرچیز دیگری یافت. او از فیلسوف نامدار میرزاهمدی آشتیانی نیز بهره‌های علمی زیادی برد.

در سال ۱۳۲۵ ه. ش. با کتاب‌های مارکسیست‌ها که از سوی حزب توده ایران به زبان فارسی و یا احزاب چپ کشورهای عربی به زبان عربی منتشر می‌شد، آشنا گردید و کتاب‌های دکتر تقی ارانی را که از متفکرین احزاب چپ شمرده می‌شد، به دقت خواند.

و سال ۱۳۳۴ از طرف دانشگاه تهران برای تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دعوت شد و تا سال ۱۳۵۶ به مدت ۲۲ سال استاد و سالیانی دراز سرپرست گروه فلسفه و حکمت اسلامی در این دانشکده بود. ایشان به حکمت سینوی پورسینا احاطه کامل داشت و متن شفا، نجات و اشارات شیخ را برای دوره دکتری و نیز شرح منظومه ملاحمادی سبزواری و شواهد الربوبیه ملاصدرا را تدریس می‌نمود.



او همزمان با درس فلسفه و عرفان، چندین سال فقه و اصول را از محضر آیات عظام حجت کوه کمری، سید محمد داماد، سید محمدتقی خوانساری، سید احمد خوانساری، سید محمدرضا گلپایگانی، حاج سید صدرالدین صدر، بخصوص آیت‌الله‌العظمی بروجردی و امام خمینی، آموخت و به مرتبه اجتهاد دست یافت.

در آن زمان درس امام خمینی در مسجد گوچه حرم، واقع در خیابان ارم دایر می‌شد و امام با همه شاگردان خود دسته‌جمعی از مدرسه فیضیه یا مسجد عشق‌علی، در درس اصول آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. این درحالی بود که بیش از چهارصد نفر از فضلا در بحث خارج فقه و اصول امام شرکت می‌کردند. یکی از خوشبختی‌های شهید مطهری این بود که تابستان ۱۳۲۰ با حکیم طبیب و فیلسوف فقیه، حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی (متوفی ۱۷ دی ماه ۱۳۳۴) آشنا شد و این آشنایی

به تدریج به ارادت تبدیل گردید. شیرازی کسی بود که با نهج البلاغه همدم بود و قلبش با این کتاب می‌طپید و از خود و خودی رسته و به حق پیوسته بود و همه دنیاهای گوناگون نهج البلاغه را می‌شناخت و استاد مطهری را با جهان شگفت‌انگیز نهج البلاغه مانوس ساخت، در سال‌های میان ۲۹ تا ۳۱ جلسات هفتگی سیار شبهای پنجشنبه که از سوی علامه طباطبایی هدایت می‌شد، دایر بود. علامه کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم خود را در این جلسات می‌خواند و بسیاری از متفکرین جوان حوزه را این جلسه‌ها به خود جلب کرد و مطهری از کسانی بود که مرتب در این نشستها شرکت می‌نمود و بعدها کتاب یادشده با حواشی وی به چاپ رسید.

### آغاز فعالیت‌های علمی و فرهنگی

استاد مطهری ۱۵ سال در حوزه قم حضور داشت و پس از فراگیری دانشهای رایج آن روز حوزه و کسب تخصص در این علوم در سال ۱۳۳۱ ه. ش. به تهران رفت و همان سال ازدواج نمود و در مدرسه مروی به تدریس فلسفه الهی روی آورد و سال ۱۳۳۴ از طرف دانشگاه تهران برای تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دعوت شد و تا سال ۱۳۵۶ به مدت ۲۲ سال استاد و سالیانی دراز سرپرست گروه فلسفه و حکمت اسلامی در این دانشکده بود. ایشان به حکمت سینوی پورسینا احاطه کامل داشت و متن شفا، نجات و اشارات شیخ را برای دوره دکتری و نیز شرح منظومه حاج ملاحمادی سبزواری و شواهد الربوبیه ملاصدرا را تدریس می‌نمود.



از سال ۱۳۳۱ فعالیت‌های استاد مطهری ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. اولین مقاله ایشان در سال ۱۳۳۲ در نشریه «حکمت» قم منتشر گردید و اولین اثر مهم وی به صورت مقدمه و یاورقی بر جلد اول اصول فلسفه و روش رئالیسم، اسفند ۱۳۳۲ از چاپ درآمد. این کتاب که بقیه مجلدات آن تا سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید، تأثیر بسیار سازنده‌ای در پاسخ‌گویی به شبهات مادیون داشت. وی در سال ۱۳۳۴ به منظور سخنرانی در انجمن‌های اسلامی دانشجویان دعوت شد. او مسائل مورد نیاز جوانان و روشنفکران آن روز جامعه را مورد بحث قرار می‌داد. کتاب‌های امدادهای غیبی در زندگی انسان، خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند و علل گرایش به مادیگری، محصول این سخنرانی‌ها است. چنان‌که نام این آثار نشان می‌دهد، تمام کوشش شهید مطهری، در این سال‌ها مصروف یافتن پاسخ و راه‌حل به نیازهای اصیل جوانان جستجوگر و روشنفکران فرهیخته شد. ایشان با ایراد سخنرانی در مراکز علمی، انتشار مقاله‌های ارزشمند و نوشتن آثار پربهای دینی، در فاصله سال‌های

۱۳۵۱ - ۱۳۳۲ خلاهای فکری جامعه را بخصوص در میان تحصیل‌کردگان پر می‌کرد.

مطهری از عناصر اصلی تأسیس حسینیة ارشاد بود و خود بارها در این حسینیه به سخنرانی پرداخت، هرچند سرانجام از مسؤولیت آن کناره‌گیری نمود و فعالیت‌های ارزشمند دینی و فکری وی در مسجدالجمود نیز از سوی رژیم پهلوی منع شد.

وی در شمار شخصیت‌ها و پیشروان کاروان تقریب روحانی و دانشجو قرار داشت و از پایه‌گذاران مطبوعات حوزوی به‌شمار می‌رود و سال‌ها با مطبوعاتی چون حکمت، مکتب تشیع و مکتب اسلام همکاری می‌نمود. او با سازمان دادن به روحانیت مبارز و ایجاد رابطه میان روشنفکران مسلمان و روحانیت و بین امام و گروه‌های مبارز در سال‌های اختناق و سال‌های تبعید امام، تأثیر عمیقی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران ایفا نمود.

**همسویی با امام خمینی**

در طول مبارزه، مطهری با امام هماهنگ عمل کرد. او در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از بازداشت‌شدگان بود و مدتی در زندان بسر برد. با هیأت‌های مؤتلفه اسلامی همکاری نزدیک داشت و از سوی امام همراه تنی‌چند از چهره‌های برجسته روحانی، عهده‌دار ارشاد این سازمان بود.

او پس از مهاجرت امام به پاریس، به این شهر رفت و مسائل جاری کشور را به ایشان گزارش کرد. امام پیش از پیروزی انقلاب، مسؤولیت شورای انقلاب را

او در واقع در سه جبهه مبارزه می‌کرد: جبهه سیاسی، جبهه طرفداران اسلام سنتی و جبهه هم‌زمان بی‌باک یا فام. نظر مطهری این بود که عظمت اسلام و مسلمین در گره بازگشت به سنت‌های اصیل و پرهیز از فرافات و آداب‌ورسوم ترمیف‌یافته است



به‌عهده ایشان نهاد. همواره در دبیرستان علوی کنار امام حضور داشت و شب ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ پس از اتمام جلسه شورای انقلاب که آن شب در منزل دکتر سبحانی تشکیل شده بود، داخل کوچه به‌دست یکی از عناصر وابسته به گروه فرقان به شهادت رسید و همه دوستداران خود را به سوگ نشاند. جنازه استاد، صبح روز پنجشنبه، ۱۳ اردیبهشت از دانشگاه تهران تشییع و در مسجد بالا سر مرقد پاک حضرت فاطمه معصومه دفن گردید. در پی شهادت استاد، شخصیت‌های برجسته‌ای پیام فرستادند. در پیام امام آمده بود: «مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود، رفت و آیه ملاً اعلا پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش نمی‌رود».

**پایه‌گذاری کلام جدید**

گسترش اندیشه‌های التقاطی و هجوم فلسفه‌های سکولار و تفکرات لائیک به ایران از ویژگی‌های دوره‌ای است که شهید مطهری در آن زندگی می‌کرد. او راه برخورد با این اندیشه را کلام جدید یافت و به همین دلیل کلام جدید را پایه گذاشت. او در این فکر بود که دین را



نوگرایانه و منطقی، برای آیندگان هموار کرد.

### سیری در سیره شیخ شهید

علامه مطهری نزد ارباب زر و زور و تزویر فروتن نبود، در جمع مال و ثروت حریص نبود، انسانی رازدار و سرنگه‌دار بود و این راه را به منظور آرمانهای اصلاحی خود دنبال می‌کرد. تماسهای خود را با شخصیتها و رجال سیاسی و روحانی صاحب نفوذ که از لحاظ طرز تفکر و خط‌مشی و سلیقه، گوناگون و در قطب‌های متضاد قرار داشتند، پنهان می‌کرد و این تماسها هیچگاه خارج از خط اصلی و راه‌ورسم اصلاحی او نبود. وی این سعه‌صدر را داشت که میان این عناصر گوناگون و دوستی با آنان را جمع کند.

حیات شهید مرتضی مطهری تجسمی از حیات معقول بود. او مردی خیرخواه و مشکل‌گشا بود. به دوستانش بها می‌داد. هیچ‌کاری را بدون تمهید مقدمات لازم آغاز نمی‌کرد. همواره به مناسبات خود با دیگران می‌اندیشید. در برابر اهل فضل فروتن بود و نکات مثبت دیگران را کتمان نمی‌کرد. اهل مدارا بود و از غیبت دوری می‌کرد. به دانش‌اندوزی و پژوهش دل بسته بود و تا به عمق مطالب رخنه نمی‌کرد، آرام نمی‌گرفت. به حریت و آزادی ارج می‌نهاد و در برابر بی‌عدالتی ساکت نمی‌نشست. از روشهای عوامفریبانه یا روشنفکرآبانه دوری می‌کرد. به نظم بها می‌داد و از افراط و تفریط دوری می‌کرد. به اساتید احترام می‌گذاشت و با دوستان فروتنانه عمل می‌نمود.



## نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

جوانان فراهم ساخت. هر چند در آثار خود کمتر به مسأله جوانان پرداخت ولی در شکل‌گیری مؤثرترین اندیشه‌های جوانان متعهد، در طول چندین دهه گذشته نقش سازنده‌ای داشت. او با آثار گرانسنگ خود نه تنها سنگ‌های اعتقادی را استحکام بخشید، بلکه شیوه‌های اندیشه‌ورزی در راستای حقایق دینی را به سبکی نوین و

احیا کند و با بددینی مقابله نماید، لذا طی سه دهه حل مشکلاتی را که در زمینه مسائل اسلامی در عصر وی مطرح بود، هدف خود قرار داد. او از همه رسانه‌های عصر خود اعم از مطبوعات، رادیو و سخنرانی به منظور تنویر افکار نسل بالنده و نقش‌آفرین آن دهه‌های پرفرازونشیب بهره جست.

از مختصات آثار قلمی او هماهنگی با نیازها، استواری، حماسه‌آفرینی، ابتنا بر پژوهش، جامعیت، حسن اسلوب و نوگرایی دینی است.

افکار مطهری به دلیل نوگرایی که در همه آثار او به خوبی دیده می‌شود، با طرز تفکر روحانیت سنتی وفق نداشت. او در واقع در سه جبهه مبارزه می‌کرد: جبهه سیاسی، جبهه طرفداران اسلام سنتی و جبهه هم‌زمان بی‌باک یا خام. نظر مطهری این بود که عظمت اسلام و مسلمین در گرو بازگشت به سنتهای اصیل و پرهیز از خرافات و آداب‌ورسوم تحریف‌یافته است. در همه حیات خود از اسلام و باورهای راستین اسلامی حمایت می‌کرد و خود جهانی از معارف و دنیایی از عشق به اسلام بود. به اسلام وفادار بود و اسلام با همه زلالی و صافی خود تا اعماق روح پاک مطهری راه یافته بود و نسبت به آرا و باورهای خود تصلب داشت.

می‌اندیشید که اسلام در متن خود هم دین است و هم دولت. هم دین است و هم زندگی و لازم است با زلال اندیشه‌های جاری، غبار کهنگی را از روی باورهای دیرین دین سترد و با بهره‌گیری از این میراث‌های ثمین، چشم‌اندازهای زیبایی را در پیش روی نسل‌های بعد قرار داد و فهم شفاف از جهان‌بینی اسلامی را برای